

بدنه مردمی غریزه چطور؟

آنها کسانی هستند که در مدارس غربی تحصیل کرده‌اند، ملیت‌های کشورهای غربی را دارا شده‌اند، به مسیحیت گرویده‌اند، در آژانس‌های غربی مانند سفارت‌ها، شرکت‌ها و NGOها فعال بودند، در رسانه‌های دولتی کار کرده، به ارتش‌های اشغالگر خدمات ارائه می‌دادند یا خطرناک‌ترین آنها، کسانی هستند که به عنوان جاسوس کار می‌کردند. برخی تخمین‌هایی گویند که جمعیت این طبقه غرب زده که از نظر اقتصادی و فرهنگی با اشغال مرتبط هستند، بین ۲ تا ۴ میلیون نفر است.

اما از این تعداد در طول بیست سال اشغال شاید فقط نیم میلیون نفر اسلحه دست گرفتند. مابقی چه در افغانستان بمانند و چه بروند، انگیزه کافی برای دست گرفتن سلاح و کشته شدن ندارند. این تعداد در مورد جنایتکاران عادی و کسانی که در دولت و شبه نظامیان قبیله‌ای کار می‌کردند، بیشتر است. اگر بازده مالی کافی و ریسک کمتری وجود داشته باشد، ممکن است مجدداً سلاح به دست بگیرند.

نقش داعش چیست؟

امریکا برای تحریک مزدوران اشغالگر برای مبارزه (چه غربی‌ها، چه شبه نظامیان سابق و چه جاسوسان)، عناصر خارجی سازماندهی شده‌ای را برای آتش زدن مناطق مهم می‌فرستاد. به عنوان مثال داعش یک ایستگاه رادیویی از داخل پایگاه هوایی امریکا در فرودگاه داشت که تحت عنوان «صدای شریعت» فعالیت می‌کرد.

آیا چشم‌انداز روشنی برای روندهای تصمیم‌گیری سیاسی طالبان وجود دارد؟

طبعاً برای تصمیم‌گیری در جنبش طالبان بویژه در داخل امارت اسلامی چشم‌انداز و اصول حقوقی و مدنی وجود دارد. امارت بر اساس اولین تجربه خود (۱۹۹۶-۲۰۰۱)، در شورایی موسوم به شورای رهبری متشکل از ۱۲ تا ۱۵ نفر از اعضای مؤسس، که همگی از جانبازان مجاهدین در جنگ شوروی بودند، به اصل شورا پایبند بود. در صورت وقوع حوادث جدی در یک منطقه یا ایالت خاص، امارت خود را موظف می‌دانست که با قبایل مربوطه مشورت کند. در غیر این صورت، هیچ تصمیمی ممکن است برای آنها الزام‌آور نباشد. یکی از مبانای ارتباط امارت با قبایل، تعهد به مشورت در امور مهم است.

اگر مشکل بزرگ باشد - در سطح چند ایالت یا حتی کل کشور - اصل مشورت با توجه به وسعت موضوع گسترش خواهد یافت.

به عنوان مثال هنگامی که کابل فتح شد و امریکایی‌ها فرار کردند، رهبر امارت، جلسه شورایی گسترده در قندهار شامل سدها تن از رهبران قبایل و فرماندهان نظامی میدانی برگزار کرد. موضوعات مطرح شده از بالاترین اهمیت برخوردار و محدود به تشکیل دولت نبودند؛ شامل اصل نظام و روش حکومت، تشکیل حکومت، روابط پیچیده و متناقض خارجی، فشارهای اردوگاه اشغالگران در اروپا، ترکیه، کشورهای حاشیه خلیج فارس، پاکستان و...، اقتصاد، جاده ابریشم، روابط با چین و ایران، دولت قدیم و رهبران آن، موضوع عفو یا محاکمه آنها و... در این طیف گسترده از مشکلات پیچیده و طیف گسترده از مشاوران، به تصمیم‌رسانی نه‌آسان است و نه سریع. به همین دلیل هنوز ادامه دارد و برخی مسائل معلق است و به همین دلیل مولوی هبت‌الله آن را حکومت موقت نامید.

بی‌نوشت:

1-Mafa.world

شمس‌البرق

۲۸۸ • شماره سوم • اسفند ۱۴۰۱